



روایت سیمرغ؛

۱. تدارک سفر
۲. آغاز و عزیمت: پرگشودن
۳. تشریف: سفیر سیمرغ
۴. درآستانه





۱. تدارک سفر؛

■ معرفی هویت مفهومی، بصری و نمایشی رویداد

■ برنامه اجرایی رویداد



اشارتی به هویت هنری رویداد در مسیر فرزانیگی

طرح تعالی منش استادی و مهارت های ناب شاگرد پروری، رویدادی فرهنگی و آموزشی است که می‌کوشد دانش تخصصی استادان نوگام در جایگاه هیئت علمی دانشگاه را با دیگر مهارت های پراهمیت آموزشی همگام کند و ایشان را در آغاز عزیمت در سفر طولانی زیست دانشگاهی در پرورش دانشجویان به سوی آینده‌ی روشن، توانمند و در ارتباط موثر با سایر ارکان دانشگاه تقویت نماید.

گفتمان حاکم بر این رویداد ملهم از سه بن‌مایه‌ی ارزشمند **معرفت الهی، حکمت ایرانی و اندیشه جهانی** است که در رهیافت نظری و عملی دانشگاهی ایران پس از انقلاب اسلامی ساری و جاری بوده است. این سه بن‌مایه در مفهوم عالی «**فرزانیگی**» تبلور می‌یابد و رسیدن به آن، به مثابه روح و غایتی در مسیر طراحی این رویداد مورد توجه قرار گرفته است. «فرزانیگی» صفتی است متعالی که فرهنگ ایرانی، از دیرباز تا کنون، در عرصه‌های علم و معرفت بر آن استوار بوده است.

راهیان این سفر پویندگان «مسیر فرزانیگی» شناخته می‌شوند. ظهور فرزانیگان به واسطه پیمودن مسیر فرزانیگی در تمثیل پر قدر منطق الطیر عطار نیشابوری، شاهکاری غنی در فرهنگ و ادبیات ایرانی - اسلامی به جای گذاشته تا در خودیابی و فهم پرندگان جویای سیمرغ، کثرت به وحدت رسیده در جمع سی مرغ، فرصت یگانه شدن با حقیقت را تصویر کند. غنا و سرشاری این تمثیل، الهام اصلی طراحی هنری آیین است که گردهمایی اعضای نوگام هیئت علمی دانشگاه‌های کشور را در این رویداد همچون سفر پرندگان در رسیدن به سیمرغ معرفت بینداریم و «**در مسیر فرزانیگی**» ذیل عنوان طرح تعالی منش استادی بنشینند و استعاره‌ی پراثری را برای برگزاری این آیین فراهم کنند. بدین سان چشم‌انداز ما در طراحی بر این قرار گرفت که «چو سیمرغ در مسیر فرزانیگی گردهم آییم، تا به مدد امام هشتم (ع)، با پشتوانه فرهنگ اصیل ایرانی برای جویندگان دانش و ایمان پلی باشیم تا ثریا».

در حین سه وهله‌ی عزیمت، تشرف و بازگشت در این رویداد، طراحی آیین‌ها و هویت بصری، فضایی و نمایشی با هدف فراهم‌سازی فضای پرنشاط، ایجاد تعامل، نمادپردازی و انتقال غیر مستقیم مفاهیم از راه امکانات هنری صورت پذیرفت. در سراسر این برنامه از پیشا رویداد تا رویداد و پس از آن، به صورت عملی و اجرایی فضا سازی و تمهیداتی هنری را به کار گرفتیم تا شرکت کنندگان به هدف غایی، یعنی دستیابی به هویت مفهومی و درونی سازی آن، نزدیک شوند. از این رو باید زیست بومی شکل می‌گرفت که ضمن برگزاری دوره‌ی آموزشی و ارائه مستقیم مفاهیم مورد نظر، از راه تعامل حاضران با سوبه‌های هنری رویداد و پرورش ذوقی نیز صورت پذیرد.

در طراحی و اجرا، تمامی اقلام گرافیک چاپی، محیطی و فضایی برنامه منبعت از هویت مفهومی رویداد،



عناصر بصری و نمادین در رویکردی مینی مال گنجانده شده است. نشان (لوگو) ملهم از فرهنگ ایرانی است و توصیف و ارائه بصری، که در ادامه این نوشتار ملاحظه می فرمایید، چگونگی تکوین این نشان ویژه را بیان می کند. نظام رنگ های اصلی و مکمل، نوع فونت و ترکیب بندی ها مطابق با مطالعه در پرسونای مخاطبان و متناسب با مفاهیم اصلی در چشم انداز این رویداد انتخاب و طراحی شده است. شعار اصلی برنامه، **چراغ خود برافروز**، همسو با داستان اصلی و یگانه ی سفر مرغان جویای حقیقت و در مسیر فرزاندگی از یکی از ابیات پر قدر مولانا جلال الدین بلخی برگرفته شده است:

تو مگو همه به جنگند و ز صلح من چه آید

تو یکی نه ای هزاری، تو چراغ خود برافروز

همین مفهوم برجسته در شعار رویداد، در شعری که برای سرود ویژه ی این آیین سروده شده، بازتابیده و گسترش یافته است. این شعر در همین کتاب برای ملاحظه ی بیشتر در دسترس شماست.

در این برنامه پیش از آغاز رویداد هویت بصری از راه ارسال دعوت نامه به شرکت کنندگان معرفی شد و در ادامه در زمان پذیرش در مشهد مقدس، کارت خوشامد وزیر محترم در پاکتی مهر و موم شده با نشان برنامه به همراه هدایای تقدیمی برخوردار از هویت بصری بسط پیدا کرد. سعی بر آن بود تا در تمامی فضاهای عمومی و خاص حضور شرکت کنندگان، از محل اقامت و تردد تا کلاس ها و کارگاه های آموزشی فضا سازی لازم با عناصر هویتی برنامه انجام شود تا مخاطبان همواره در معرض جنبه ذوقی و هنری آن قرار داشته باشند.

در سه آیین گشایش، ضیافت و عهد علاوه بر ساخت و اجرای لوگو موشن ها و گرافیک محیطی از رخدادهای هنری همچون نقالی، حرکات و پایکوبی آیین ناحیه خراسان، نمایش مدرن و اجرای سرود ساخته شده ی ویژه ی این برنامه بهره گرفته شد.

همچنین با هدف نمادین سازی مفاهیم به صورت مجسم و نمایشی انتقال میراث استاد مجرب به نواستاد از راه اهدای پرچم ویژه، اهدای پرچم مقدس جمهوری اسلامی ایران به همراه مدالیون ویژه در مسیر فرزاندگی به مثابه پذیرش نماد منش استادی و نگاهبانی از میراث ملی، علمی و فرهنگی ایران، شال اندازی با رنگ و نشانی که پیوند با معنویت حضور در حریم رضوی همراه با استقبال آیینی خادمان حرم از شرکت کنندگان در آیین عهد با امام رئوف (ع)، اجرای تواشیح و منقبت خوانی، بستن میثاق با قرائت متن ویژه و در نهایت امضای تابلوی عهد از جمله برجسته ترین ویژگی های این آیین های خجسته به شمار می آید.



درخت سرو

فرم کلی اسلیمی‌ها در لوگو به درخت سرو، نماد سرافرازی و رشد اشاره دارد که با قدمت ۴۰۰۰ ساله خود نشانه ریشه این درخت در فرهنگ و تمدن ایران است.



نستعلیق

خط نستعلیق نماد هنر و فرهنگ اصیل ایرانی است. حروف استفاده شده در لوگو برگرفته از خط استاد میرزا غلامرضا اصفهانی برترین خوشنویس تاریخ ایران است.



هشت اسلیمی

تعداد اسلیمی‌های داخل مهر (لوگو) هشت عدد است که اشاره به امام هشتم (امام رضا (ع)) و جغرافیای محل برگزاری گردهمایی دارد.



مهر

مهرها علاوه بر کارکرد شناسایی و بستن قراردادها و پیمان‌ها، اشیای زینتی بوده‌اند و حتی وسیله‌ای برای ابراز اعتقادات و فرهنگ به شمار می‌رفتند.



VISION

یک چشم انداز واضح و فکر شده، حسی مشترک نسبت به هدف، مسیر و فرصت ایجاد می‌کند.

چو سیمرغ در مسیر فرزانی گردهم آییم
تا به مدد امام هشتم و پشتوانه‌ی فرهنگ اصیل ایرانی
برای جویندگان دانش و ایمان پُلی باشیم تا ثریا.

کلیدواژه‌های چشم انداز گردهمایی

چو سیمرغ در مسیر فرزانی گردهم آییم تا به مدد امام هشتم و پشتوانه‌ی فرهنگ اصیل ایرانی برای جویندگان دانش و ایمان پُلی باشیم تا ثریا.

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱- سیمرغ (سی مرغ) اشاره به جمع شدن اساتید هیات علمی دانشگاه‌ها	۲- در مسیر فرزانی نامگذاری دلیل انتخاب نام گردهمایی	۳- گردهم آییم پیمان بستن مُهر (لوگو) نماد پیمان نامه	۴- امام هشتم جغرافیایی برگزاری گردهمایی هشت اسلیمی در لوگو	۵- فرهنگ اصیل ایرانی استفاده از خط نستعلیق به خط میرزا غلامرضا اصفهانی	۶- پُلی تا ثریا نماد رشد و ارتقاء سُرو اسلیمی مُهر	۷- دانش، ایمان، ثریا و ایران اشاره به حدیث حضرت رسول علم ثریا، نزد ایرانیان

لیاوت

چیدمان و محل قرار گرفتن عناصر ثابت مانند Strapline در کنار عناصر اصلی مانند لوگو و لوگو تایپ در بخش لیاوت مشخص می شود.

Strapline

به نوشتاری که بالوگو و لوگو تایپ همراه می شود Strapline می گویند.
این نوشتار می تواند شامل Slogan یا Tagline دمسیر فرژنگی باشد.



Logo / Tagline Fa Trademark



Logo / English Name Trademark



Logo / Slogan Fa Trademark



THE
PATH
TO
WISDOM



محمد رضا
مشایخی

www.Farzanegi.ir



www.Farzanegi.ir



پترن

بدلیل وجود پتانسیل بصری و زیبایی بافت مهر در لوگو، در بخش پترن هویت بصری در مسیر فرزانگی از این بافت (بدون نوشته روی مهر و فقط اسپیرال ها) استفاده می شود.
در تصویر بالا بعنوان نمونه، بخش استفاده شده در پترن که پشت سرپرگ A4 نمایش داده شده است.



مجلس استانی
تهران



طرح تقاللی
مجلس استانی تهران



منش استادی
فصلک در پیروی



طرح تعالی
مهارت‌های یاد

نایب

Handwritten signature in blue ink.

جای آقای
با سلام و احترام

بسم الله الرحمن الرحیم
اینجانب به استحضار می‌رساند که در راستای تحقق اهداف و برنامه‌های آموزشی و پژوهشی این مرکز، اقدام به برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی نموده و در این زمینه تلاش می‌نماید تا با بهره‌گیری از ظرفیتهای علمی و تخصصی اساتید و محققان، زمینه‌ساز ارتقای کیفیت و نوآوری در فرآیندهای آموزشی و پژوهشی گردد. در این راستا، دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی در زمینه‌های مختلف علمی و تخصصی برگزار خواهد شد و از شما دعوت می‌گردد تا با حضور در این دوره‌ها و کارگاه‌ها، در ارتقای کیفیت و نوآوری در فرآیندهای آموزشی و پژوهشی مشارکت نموده و به تحقق اهداف و برنامه‌های آموزشی و پژوهشی این مرکز کمک نمایید. در این راستا، دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی در زمینه‌های مختلف علمی و تخصصی برگزار خواهد شد و از شما دعوت می‌گردد تا با حضور در این دوره‌ها و کارگاه‌ها، در ارتقای کیفیت و نوآوری در فرآیندهای آموزشی و پژوهشی مشارکت نموده و به تحقق اهداف و برنامه‌های آموزشی و پژوهشی این مرکز کمک نمایید.





چراغِ خود برافروز

برنامه نخستین دوره طرح تعالی
منش استادی (در مسیر فرزangi)



ورود به مشهد و پذیرش در هتل از ساعت ۱۱ صبح					۱۴۰۲/۰۷/۱۰ دوشنبه
۱۳:۱۵ تا ۱۱:۴۰	۱۱:۴۰ تا ۱۰:۴۰	۹:۴۰ تا ۸	۷:۳۰	۷:۳۰ تا ۶	ساعت
نماز و ناهار (مرکز رفاهی دانشگاه)	رؤیت پذیری علمی استاد در عرصه ملی و بین المللی (به صورت عمومی)	اخلاق حرفه ای در فعالیت های عضو هیئت علمی (به صورت عمومی)	عزیمت به دانشگاه و استقرار در محیط آموزشی	صبحانه	۱۴۰۲/۰۷/۱۱ سه شنبه
	کارگاه تکنولوژی آموزشی ۵ کارگاه به صورت موازی با حضور ۵ مدرس	کارگاه تکنولوژی آموزشی ۵ کارگاه به صورت موازی با حضور ۵ مدرس			۱۴۰۲/۰۷/۱۲ چهارشنبه
	همنشینی با اساتید مجرب و انتقال تجربه ۲: (ارتباط با صنعت، فناوری و جامعه)	همنشینی با اساتید مجرب و انتقال تجربه ۱: (منش استادی)			۱۴۰۲/۰۷/۱۳ پنج شنبه
	آیین عهد با امام رضا (ع)				۱۴۰۲/۰۷/۱۴ جمعه

- رعایت زمانبندی و نظم، زمینه‌ساز اصلی بهره‌وری در این دوره جمعی است؛ با رعایت زمان‌ها، در ارتقاء کیفیت برنامه‌ها، یکدیگر را یاری کنیم.
- حرکت به سمت دانشگاه فردوسی از هتل، رأس ساعت ۷:۳۰ صبح
- کالس‌های عمومی و کارگاه‌ها در دانشکده علوم ورزشی برگزار خواهد شد.
- برنامه صبح تا ظهر پنجشنبه در هتل پردیسان خواهد بود.

THE
PATH
TO
WISDOM



۲۱:۳۰ شام	آیین گشایش ساعت ۲۱ تا ۲۰	ادای احترام به شهدا و نماز ۱۷ تا ۱۸	عزیمت به دانشگاه فردوسی ۱۶:۴۵
۱۸ به بعد	۱۷:۳۰ تا ۱۵:۱۰	۱۵:۳۰ تا ۱۳:۱۰	
در اختیار و شام (در هتل پردیسان)	کارگاه روش‌های تدریس ۵ کارگاه به صورت موازی با حضور ۵ مدرس	کارگاه روش‌های تدریس ۵ کارگاه به صورت موازی با حضور ۵ مدرس	
	کارگاه سنجش و ارزشیابی ۵ کارگاه به صورت موازی با حضور ۵ مدرس	کارگاه سنجش و ارزشیابی ۵ کارگاه به صورت موازی با حضور ۵ مدرس	
ضيافت	میزهای گفتگو با معاونان وزارت عتف	در اختیار تا ۱۴:۳۰	
در اختیار و بازگشت			



۲. آغاز و عزیمت؛ پرگشودن

- هم پای یاران آسمانی
- پذیرش و آیین گشایش
- انتقال میراث و پرچم
- سرود منش استادی



■ هم‌پای یاران آسمانی



■ به زندگی شخصی دانشجویها به شدت اهمیت می‌داد. دوستی داشتم که موقع ازدواج، به مشکل مالی برخورد. استاد کمکش کرد تا زندگی‌اش را شروع کند. گفته بود هر وقت داشتی، برگردان. آن بنده خدا هم ماهیانه مبلغی را برمی‌گرداند. همیشه نگران شغل و آینده دانشجویها بود. اگر می‌دید دانشجویی سال قبل فارغ‌التحصیل شده، ولی هنوز شغل ندارد، برایش شغلی پیدا می‌کرد یا در پروژه‌های خود، از او استفاده می‌کرد. این نگرانی همیشه در ذهنش بود. دانشجویهایی که با دکتر پروژه داشتند، می‌گفتند امکان نداشت دکتر سر ماه فراموش کند حق‌الزحمه ما را بدهد. حواسش بود اگر یکی از بچه‌ها متاهل است و درآمدی ندارد، به او کمک کند. / شاگرد شهید

■ یک بار در دانشکده ولیمه دادند. همسرشان آبگوشت درست کرده بود. بعد از کلاس ما را صدا کردند و گفتند که هرکس به نوبه خودش بیاید و گوشت این را بکوبد. یکی از بچه‌ها هم فیلم گرفت. آبگوشت را خوردیم؛ چقدر هم صمیمی. اینهایی را که تعریف می‌کنم، به هیچ عنوان روی بحث علمی تأثیر نمی‌گذاشت. وقتی سر کلاس درس بودیم، باید شش دانگ حواسمان جمع می‌بود. روی تمرین‌ها خیلی حساس بود. اگر کسی انجام نمی‌داد، جدی تذکر می‌داد. در عین حال اینقدر صمیمی بود. / شاگرد شهید

■ درباره دانشجویها می‌گفت این‌ها عائله ما هستند. پدر و مادرشان این‌ها را به ما سپرده‌اند. اگر مریض می‌شدند یا مشکل مالی داشتند، رسیدگی می‌کرد. به سؤالات دانشجویان اساتید دیگر پاسخ می‌داد. بعضاً دانشجویانش اعتراض می‌کردند چرا دانشجویان اساتید دیگر جلوی اتاقش صف می‌کشند. / همکار شهید

■ یک سری از دانشجویها رفته بودند پیش دکتر عباسی از دکتر شهریار چغلی کرده بودند که دکتر شهریار خیلی به ما فشار می‌آورد. درس ایشان واقعاً سنگین بود. جلسه بعد که دکتر آمد، می‌توانست بگوید که رفتید چغلی کردید، حالتان را می‌گیرم. به جای این کار آمد و عذرخواهی کرد! گفت معذرت می‌خواهم اگر کدورتی پیش آمده است. / شاگرد شهید

■ رفتار دکتر به گونه‌ای بود که آدم‌ها را به مسائلی راغب می‌کرد. خیلی از دختران دانشجو که هنگام ورود به دانشگاه با مانتو بودند بعد از یکی دو سال که با ایشان یا دکتر عباسی آشنا می‌شدند چادری می‌شدند. / شاگرد شهید



■ دکتر صالحی وزیر امور خارجی دولت دهم و استاد شهید شهریار تعریف می‌کند: «یکی از مسئولین نظام می‌گفت رهبر انقلاب از من پرسیدند: ایشان چه جور آدمی بود؟ گفتم: اگر به ایشان در علم هسته‌ای کشور نمره صد بدهیم، به بهترین نفر بعد از ایشان به زحمت می‌توانیم پنجاه بدهیم. دیگران هم هستند اما نمره صد لزوماً برای دانش نیست. بحث تربیت دانشجو هم هست. بعضی اساتید در انگلیس و آمریکا درس خوانده‌اند. خیلی هم باسوادند، خیلی هم باهوشند، ولی دانشجو زیاد تربیت نمی‌کنند. به دلایل مختلف: حوصله ندارند، دانشجو طرفشان نمی‌رود و... هر استادی را که من در عرصه هسته‌ای دیده‌ام، در تعریفی که آن مسئول نظام از دکتر شهریار کرده بود می‌گنجد.»





▪ پذیرش و آیین گشایش













از سی مرغ تا سیمرغ در آیین «منش استادی در مسیر فرزangi»

برگرفته از سایت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری: <https://www.msrt.ir/fa/news/79764>

«نخبگان جوان در یک گردهمایی فرهیختگانی دور هم جمع شده‌اند تا پای تجربه اساتید استخوان‌خورد کرده بنشینند و حاصل ده‌ها سال فرزangi را بچشند و بیاموزند و به خاطر که نه، به دل بسپارند. همه قصه‌های زیبای معلمی را که شنیده‌ایم، می‌شود اینجا دید و از زبان استادها شنید.»

دوشنبه شب، ۱۰ مهرماه، دانشگاه فردوسی مشهد میزبان یک دوره‌ی متفاوت بود؛ نخبگان جوانی که تازه لباس استادی دانشگاه به تن کرده‌اند، از دانشگاه‌های برتر کشور دور هم جمع شده بودند تا در شروع این مسیر سخت، از موسپید کرده‌های آموزش عالی «منش استادی» بیاموزند. جوانانی که تا دیروز روی صندلی دانشجویی نشسته بودند و حالا خودشان در کسوت عضو هیأت علمی هستند، باید دست نسل بعدی را بگیرند و در «مسیر فرزangi» تا رسیدن به قله‌های علم و افتخار قدم به قدم کمکشان کنند. اسمش تدریس سرفصل‌های درسی به دانشجو‌هاست؛ اصلش تربیت انسان‌هایی که تازه ۱۸ را رد کرده‌اند و دارند به دنیای جدیدی از مسئولیت‌پذیری و بزرگسالی قدم می‌گذارند. ولی نه به حرف زدن و گلام، از منش استاد یاد می‌گیرند و توی وجودشان نهادینه می‌شود. که حتی همان درس و کتاب و سرفصل آموزشی هم وقتی با محبت و منش استادانه به جان دانشجو می‌نشیند؛ که «درس معلم ار بود زمزمه محبتی / جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را»



مسئولیتی که همانقدر که مهم و افتخارآفرین است، پراز سختی و فراز و نشیب است و برای این نو استاده‌ها، نوعی تازه از شاگردی را رقم می‌زند؛ این نخبگان جوان در این گردهمایی فرهیختگانی دورهم جمع شده‌اند تا پای تجربه اساتید استخوان‌خورد کرده بنشینند و حاصل ده‌ها سال فرزاندگی را بچشند و بیاموزند و به خاطر که نه، به دل بسپارند. همه قصه‌های زیبای معلمی را که شنیده‌ایم، می‌شود اینجا دید و از زبان استاده‌ها شنید.

بخشی همیشه مغفول که حالا برنامه اصلی وزیر علوم است.

«توجه به اساتید و آموزش و انتقال تجربه به آن‌ها، همیشه یک بخش مغفول در نظام آموزش عالی ما در دوره‌های مختلف بوده است. ما فقط از استاد انتظاراتی در حوزه آموزش و پژوهش داریم؛ اما مهارت‌ها و توانمندی‌هایی که این اساتید برای ایفای هرچه بهتر این نقش‌ها و مخصوصاً برای پرورش همه‌جانبه دانشجویان، نیاز دارند را به آن‌ها آموزش نداده‌ایم.» دکتر زلفی‌گل وزیر علوم همان ابتدای حضورشان در این کرسی، آن را مورد تأکید قرار دادند. این‌ها را محمد مهدی ذوالفقارزاده، دبیر همایش «منش استادی، مسیر فرزاندگی» می‌گوید. حالا این دوره قرار است یک گام بزرگ و آغازین برای این سیاست‌گذاری و رویکرد جدید و مهم باشد. دوره‌ای که برگزاری آن به معاونت فرهنگی و به‌طور مشخص به دفتر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی امور فرهنگی و اجتماعی واگذار شده است. ذوالفقارزاده مدیرکل این دفتر- از مسیری می‌گوید که طی یک‌سال و نیم گذشته، برای رسیدن به یک چارچوب و سرفصل‌های دقیق و موثر برای این همایش طی شده است: «با تیمی از اساتید حوزه‌های آموزش و فرهنگی و اجتماعی کار گروهی شروع شد؛ از مطالعات تطبیقی تا کمک گرفتن از اساتید دانشگاه تهران. در مطالعات تطبیقی برای اطلاع از برنامه دانشگاه‌های برتر دنیا در زمینه آموزش اساتید، حدود ۴۰ دانشگاه بررسی شد و دیدیم همگی دوره‌های رسمی و الزامی در این زمینه دارند که به صورت منتورینگ برگزار می‌شد. در داخل کشور نیز با ۲۰ مجموعه مکاتبه شد که اگر تجربیاتی در حوزه تربیت مدرس دارند در اختیار ما قرار دهند؛ اسناد بالادستی مشاهده شد و یک مدل شایستگی طراحی شد که از یک استاد چه انتظاراتی داریم؟ که متناسب به آن انتظارات، آموزش‌ها طراحی شد.» این توضیحات حاکی از آن است که برای اجرای این برنامه، یک بررسی علمی در شأن عالی‌ترین نهاد آموزشی کشور انجام گرفته و اساتید جوان، مهمترین و کلیدی‌ترین مهارت‌هایی که برای مسیر فرزاندگی‌شان نیاز دارند را در پیش خواهند داشت. این دوره البته در اولین مرحله قرار بوده بسیار مفصل‌تر و با سرفصل‌هایی گسترده‌تر شروع شود که محقق شدنش در آن سطح، الزامات گسترده‌تری می‌طلبد؛ بنابراین تصمیم بر آن شده که اولین دوره را در بازه زمانی و سرفصل‌ها و تعداد شرکت‌کنندگان محدودتری برگزار کنند تا ملزومات مختلف آن ارزیابی و سنجیده شود و شروع یک برنامه مستمر و پرقدرت برای مهارت‌افزایی اساتید جوان باشد.

هنر و آیین و تمدن اصیل ایرانی اسلامی، روایتگر منش استادی می‌شود.

اما سپرده‌شدن این برنامه به معاونت فرهنگی، یک وجه منحصربه‌فرد دارد که حاکی از تدبیر و درک عمیق از مختصات مسیر فرزاندگی اساتید جوان است. قرار نیست دوره به صورت رسمی و خشک، آنطور که در چنین همایش‌هایی معمول است، برگزار شود؛ تیم فرهنگی وزارت علوم، با استفاده از تخصص یک تیم هنری حرفه‌ای، یک برنامه‌ریزی متفاوت برای اجزای مختلف دوره در نظر گرفته که فرهنگ آیینی و هنر ایرانی را در تاروپود آن تنیده است.

طبق گفته ذوالفقارزاده، این تیم ساعت‌ها وقت گذاشتند که عناصر سمعی بصری و محیطی به نحو مطلوبی طراحی شود و انتقال پیام و انعکاس مطلب به مخاطب فقط از طریق سخنرانی‌های خشک رسمی نباشد.



شاه‌کلید و نقطه شروع این برنامه جذاب را در افتتاحیه قرار داده‌اند؛ جایی که توصیفات دبیر همایش، خبر از برنامه‌ای متفاوت و جذاب می‌دهد. از حضور اساتید شناخته‌شده تا عناصر فرهنگی تمدنی هنری و در اوج آن، شعری اختصاصی که برای دوره منش استادی طراحی شده و یک گروه خبره موسیقی آن را در افتتاحیه اجرا می‌کنند. افتتاحیه‌ای که درست در شب میلاد پیامبر رحمت (ص) برگزار می‌شود؛ معلم عالی‌مقام بشریت که منش فرزاندگی را به همه انسان‌ها از عصر آدم رسانده‌است و حالا متولیان همایش «منش استادی» امید دارند به یمن این شب مبارک میلاد، برکت به این دوره جاری شود.

اساتید از نقاط مختلف کشور و از بهترین دانشگاه‌های این سرزمین، یکی یکی به مشهدالرضا رسیده‌اند و راهی دانشگاه فردوسی شدند برای آیین گشایش این طرح جدید و منحصر بفرد.

سلام به پیشگاه میزبان معنوی همایش

قبل از شروع آیین، در یک سالن گرم گفتگو و آشنایی با یکدیگرند که یک صدای رسا با ادبیاتی شنیدنی، توجه همه را به خودش جلب می‌کند؛ این نوید برنامه‌ای خارج از قالب‌های رسمی و خشک را می‌دهد: «اگر با من همراهی و همسفر، یک یا علی بگو و با من بیا»

اینگونه اساتید را به یک نقاله خوانی جذاب دعوت می‌کند؛ حکایت سیمرغ را با پس‌زمینه ضرب، روایت می‌کند و چه انتخاب به جایی؛ روایت مسیر و مثنی‌ه‌دهد در رساندن سی‌مرغ به سیمرغ، چه شباهت زیبایی دارد با مسیر و منش استادی. ضرب زورخانه می‌نوازد و نقل، آغاز اجتماع پزندگان و حرکت به سوی قاف به رهبری هدهد را روایت می‌کند.

همه اساتید قدیمی و جدید و مسئولین عالی وزارت علوم، با متانت دور تا دور فضای نقل ایستاده‌اند و به روایت سیمرغ با صدای رسای نقال گوش می‌دهند.

بخش اول نقالی که تمام می‌شود، مجری برنامه با ادبیاتی زیبا، به اساتید خوش‌آمد می‌گوید و همگی به سالن آمفی‌تئاتر دعوت می‌شوند. کنار تلاوت قرآن و سرود ملی، شروع این آیین یک بخش متفاوت با



همیشه دارد؛ اساتید همانطور که برای سرود ملی روی پا ایستاده‌اند، رو به حرم مطهر امام رضا علیه السلام، با دستانی روی سینه سلام می‌دهند و عرض ادب می‌کنند به میزبان معنوی و حقیقی این ضیافت.

این صدای منش و فرهنگ و ایمان و ایران است.

حاضرین که می‌نشینند، پرچم ایران، پرچم رضوی و پرچم‌های وزارت علوم و همایش در مسیر فرزاندگی، با نوای زیبای سرود ای ایران، بر دستان دانشجویان وارد سالن می‌شود و حماسه و شور را مهمان مراسم می‌کند. مجری برنامه که خیر مقدم می‌گوید و همایش را معرفی می‌کند، بعد نوبت به رئیس دانشگاه شهید فردوسی مشهد، دکتر احد ضابط است که پشت تریبون قرار بگیرد؛ این استاد با تجربه بعد از خوش آمدگویی، یک جمله طلایی می‌گوید: «شاید اگر در شروع مسیر ما وقتی جوان بودیم، اساتید با تجربه‌تر، به ما منش استادی را می‌آموختند، ما نیز بهتر عمل می‌کردیم و در بسیاری از مسایل سعی و خطا نمی‌کردیم» او در در مورد مثنی استادی یک توصیه کلیدی می‌کند: «زهد داشته باشید تا توصیه و منش‌تان به جان دانشجو بنشیند.»

همانگونه که توصیف شده بود، برنامه‌های زیبای آیینی و هنری، به آیین گشایش روح و جلای متفاوتی داده است؛ رقص محلی خراسانی زیبا روی سن، حاضرین را با یکی از اصیل‌ترین آیین‌های سرزمین خراسان به وجد می‌آورد.

«این صدای منش است» مجموعه شش‌گانه صداها، با این کلیپ کوتاه و با صدای دکتر ذوالفقارزاده آغاز می‌شود و بعد با توضیحات دبیر همایش در خصوص چندوچون آماده‌سازی مقدمات و برگزاری آن، ادامه می‌یابد.

بعد، نوبت به برنامه هنری دیگری است که توسط یک تیم حرفه‌ای روی سن اجرا می‌شود؛ مجموعه نمایش‌های چند دقیقه‌ای که هر کدام در بخشی از برنامه، بخش‌هایی از مسیر فرزاندگی را به تصویر می‌کشند. اولی، «عزیمت» است.





«این صدای فرهنگ است»؛ بخش دوم از صداهاى شش‌گانه که مقدمه حضور دکتر کلانتری، معاون فرهنگی و اجتماعی وزیر علوم است که با پیامی ادیبانه و تعابیری زیبا به مدعوین خوش‌آمد می‌گوید؛ در تار و پود پیام عالی‌ترین مقام فرهنگی وزارت علوم، فرهنگ عمیق و دیرینه ایران اسلامی در هم تنیده شده است: «من از اعماق تاریخ این سرزمین سخن می‌گویم. تاریخی که با دانایی و علم پیوند خورده؛ چه در دوران توحیدی زرتشت که در سروده‌های خویش، دانش اندوزی، خردورزی، اندیشیدن و دانایی را ستوده و برای ما در گاتها از درگاه آفریدگار اندیشیدن در آرامش، دانش برآمده از منش نیک و بهره‌مندی از شادمانی را آرزو می‌کند و حتی اندیشمندان یونانی، نظیر فیثاغورث، دموکریتوس، افلاطون و ارسطو را از طریق مغان ایرانی با پیچیدگی و وجوه تجریدی عالم آشنا می‌کند؛ چه در دوران پس از طلوع پیامبر خوییها که علم را نور و خدا را نور دانسته و بر همین مبنا علم را دارای شرافت، قداست و احترام ذاتی می‌دانست، پیامبری که علما را وارث خود می‌دانست و هدف رسالت خود را تعلیم عنوان می‌کرد و تکریم عالم را تکریم شان خداوند سبحان می‌دانست، پیامبری که عالم را بر عابد ۷۰ درجه مرجع و برتر می‌دانست، مانند برتری ماه شب چهارده بر دیگر ماه‌ها، پیامبری که عالمان را وارثان و نزدیک‌ترین گروه به انبیا می‌دانست، پیامبری که خداوندش به قلم قسم یاد کرد و کتاب آسمانی معجزه او بود، پیامبری که حکمت را گمشده مومن می‌دانست، پیامبری که علم را بر هر مرد و زنی فریضه و تبعیض در این زمینه را مردود می‌دانست، پیامبری که تعلیم را از گهواره تا گور و از شرق تا غرب مورد تاکید قرار داد.»

بعد از این سخنان، «صدای ایمان» برای حاضرین پخش می‌شود که بیانات عالمانه رهبر فرزانه ایران اسلامی درباره منش و معنای استادی است و چه عجیب، به جان می‌نشیند.

امشب مبارک شب میلاد پیامبر رحمت (ص) است؛ «نگار من که مکتب نرفت و خط ننوشت/ به غمزه مسأله آموز صد معلم شد». این مناسبت مبارک با موسیقی مقامی تربت جام با دوتارنوازی، در سالن طنین می‌اندازد و گوش و جان اساتید را با منقبت حضرت رسول (ص) و عطارخوانی، تازه می‌کند.

من عاشق ایرانم؛ کشوری بی‌نظیر در دنیا

حالا می‌رسیم به «صدای ایران»؛ بعد از کلیپ یک دقیقه‌ای یک استاد وطن‌دوست با تشویق حاضرین روی سن می‌آید: «دکتر بلالی مود» دانشمند نامی حوزه سم‌شناسی که تخصص بی‌نظیرش در زمان جنگ تحمیلی در تعهدی عمیق برای کمک به مجروحان شیمیایی به میدان آمده است. همان‌موقع که برخی پزشکان یا اساتید برای فرار از مهلکه آتش جنگ، خاک ایران را ترک کردند، دکتر بلالی و همسرش از دانشگاه ادینبورگ انگلیس به وطن بر می‌گردند و زندگیشان را وقف تلاش برای بهبود رنج‌هایی می‌کنند که گازهای بی‌رحم شیمیایی به جان سربازان سربلند وطن انداخته است. «به خودم بالیدم چون من عاشق ایرانم؛ برای همین عنوان ارائه‌ام را خدمت به وطنم ایران است» این جملات دکتر بلالی، عشق را و وطن‌دوستی را در جان سالن می‌نشانند و صدای چند استاد جوان را در پشت سرم می‌شنوم که با ذوق ماشاءالله می‌گویند. به تناسب شخصیت علمی این استادوارسته، با ذکر علمی استدلال‌هایی در خصوص اینکه «چرا ایران بی‌نظیر است» ادامه می‌یابد او به گنجینه‌های تاریخی اشاره می‌کند و بعد از تنوع آب‌وهوایی بی‌نظیر ایران می‌گوید و طبیعت زیبای لاهیجان و جزیره کیش و قشم و هرمز. تنوع کشاورزی و ... انگار از نگاه دانشمندی که کشورهای مختلف را رفته، دارد گنجینه‌هایمان را به یادمان می‌اندازد. همه در سکوت کامل، گوش جان را داده‌اند به کلام این استاد پیشکسوت. سوابق آموزشی و پژوهشی و کتاب‌های استاد، روایت سال‌ها تلاش برای فرزاندگی است. دکتر بلالی حاصل سال‌ها معلمی‌اش را با یک توصیه کلیدی به جان نواستادها می‌نشانند: «اگر با عشق خدمت کنید، این به دانشجو منتقل می‌شود؛ نیازی به نصیحت و کلام نیست. با رفتارتان درس می‌دهید». همسر دکتر نیز که پا به پای او برای وطن عاشقی کرده، یک دندانپزشک فرهیخته و یکی از بنیانگذاران دندانپزشکی کودکان است. او نیز به دعوت مجری مراسم به روی سن می‌آید و حاضرین ایستاده تشویق می‌کند. حضور این دو استاد بزرگوار، به «صدای مقاومت» پیوند می‌خورد.

فریضه‌ای که زن و مرد نمی‌شناسد.

اجرای بخش دیگری از نمایش مفهومی که «آزمون، چالش باورمندی و هدایت مرشد» را به تصویر می‌کشد و بعد «صدای دانشجو» که به اجرای لکچر پرفرومنس دو دانشجوی سال آخر و سال اول ختم می‌شود؛ آن‌ها هنرمندانه، دغدغه‌های دانشجویان در قالب یک روایت داستانی به گوش اساتید می‌رساند.

سخنران بعدی مراسم، خانم دکتر هما زنجانی‌زاده، استاد پیشکسوت دانشگاه فردوسی مشهد است؛ «بسیار خوشوقتم که در این شب فرخنده با عرض تبریک این فرصت را یافته‌ام که بعد از ۱۵ سال در جلسه آکادمیک در جمع اساتیدی باشم که کار علمی و کار معلمی را برگزیده‌اند؛ با طنازی و ظرافت کلام، نقد و وصف و توصیه مطالبه می‌کند. ۸۱ ساله است؛ لحن آرام و پراز طمأنینه‌اش که با دانش و تجربه عمیق گره خورده، باعث سکوت یکپارچه سالن شده است؛ همه عمیقاً گوش می‌دهند. «در منش دینی، طلب علم فریضه زن و مرد است نه فقط زن.» سفارش زیبایی به خانم‌های استاد می‌کند؛ «اگر دو نفر خانم می‌آیند از روی پوشش و متانت و ظاهرش باید بفهمند کدامشان استاد است.» صحبتش را به سه ویژگی ظاهری، علمی و اخلاقی به عنوان ویژگی‌های استاد آرمانی به پایان می‌رساند.

بعد در یک بخش نمادین و زیبا، پرچم فرزangi را به نسترن صالحی نو استاد دانشگاه تهران می‌سپارد و خانم صالحی نیز بخش کوتاهی در خصوص به مطالبات دقیق و عمیق نسل جدید اساتید از مقررات وزارت علوم و مخصوصاً آیین‌نامه ارتقاء اساتید اشاره می‌کند؛ که باید به جای مقاله محور، مسئله محور باشد. بخش بعدی مراسم سخنان دکتر محمد سلیمانی است که با اشاره ظریف و دقیق مجری به منش زیبای وزیر علوم در احترام و تواضع نسبت به اساتید قدیمی‌اش همراه می‌شود؛ که همیشه دکتر سلیمانی را حکیم فرزانه می‌خواند. سلیمانی کوهی از تجربه و توصیه و خاطره است و در سخنانی از مسیر آمده و تجربه‌های آموخته با همکاران و نواستادان سخن می‌گوید؛ خبرهای خوبی هم از نظام تقدیر از اساتید سرآمد در حوزه‌های مختلف آموزش عالی می‌دهد.

در انتها ایشان نیز سه نماد در مسیر فرزangi را به دکتر مهرتاش، نواستاد دانشگاه باهنر کرمان می‌دهد. حسن ختام آیین گشایش، یکی بخش‌های پایانی نقالی و دیگری یک شاهکار هنری است؛ شعری که ویژه این آیین سروده شده و با موسیقی اصیل ایرانی، اجرا می‌شود. نقال در پایین صحنه و نزدیک به مخاطبان، نقل خود را آغاز می‌کند؛ تبدیل شدن سی مرغ به سیمرغ، طی مسیر فرزangi با هدایت هدهد. نقال با سه بیت از شعر سرود نقل خود را به پایان می‌رساند با شروع خواندن بیت آخر، گروه موسیقی اجرای خود را آغاز می‌کند.













نمایش تصویری سرود

<https://www.aparat.com/v/qjuihg1>

چراغی برافروز در پیش راه؛

«شعر سرود آیین نواستادی»

سعید اسدی / سیدمجید مطهری نژاد

خرد را جوان کن بدین جایگاه
به اندیشه بر بام گردون رسی
پر و بال پرواز مرغ هما
بلندای ایران ز ایمان توست
شهیدان و نیکان هفت آسمان
هم آفاق نوری و آزادگی
ز دیوان لباسی نشاید تو را
به تسبیح حق صد قلم می زنی
ثریانشانی در این سایه ها
مهیای مهدی خدا خواسته
جهان را بر آن عهد یاری کند
خرد دُرّ معنی به گیتی بسفت
چنان کو گرانمایه ی طوس گفت:
ترا باد از پاک یزدان درود»

چراغی برافروز در پیش راه
تو یک تن نباشی، هزاران کسی
تویی باغبان بسی نسل ها
صفیری ز سیمرغ در جان توست
زمینی ز گنجینه های جهان
تویی رهرو راه فرزاندگی
به طوفان، هراسی نباشد تو را
چو بر مرز دانش قدم می زنی
دوانی به فردای نوآیه ها
ز تو مهد دانش شد آراسته
که بر عهد خود پایداری کند
اگر جان شود با خرد نیک جفت
مِهین گُلبن حکمت از نو شکفت
«به دل خرمی دار و بگذر ز رود»





۳. تشریف: صفیر سیمرغ

- صدای فرزانه‌گی
- لذت یادگیری
- پرسشگری
- ضیافت







همراه با فرزنانگان در مسیر فرزنانگی

برگرفته از سایت خبرگزاری جمهوری اسلامی: irna.ir/xjNCw2

پابه پای پیران امیدبخش در مسیر فرزنانگی؛ از عشق استاد به وطن تا امید به آینده دانشجو در همایش طرح تعالی منش استادی یا مهارت‌های ناب شاگردپروری موج می‌زند.

طرح تعالی منش استادی یا مهارت‌های ناب شاگردپروری، (در مسیر فرزنانگی) با حضور ۱۶۰ استاد تازه‌استخدام دانشگاه‌های مراکز استان‌ها و دانشگاه‌های سطح یک کشور از تاریخ دهم تا چهاردهم مهرماه ۱۴۰۲ در مشهد در حال برگزاری است.

استادان تازه‌استخدام وزارت علوم؛ اساتیدی سرشار از انگیزه و شور جوانی، گرد هم جمع شده‌اند تا با هدایت‌گری پیشکسوتان توانمند و زبده، مهارت‌های خود را برای پرورش دانشجویان «نسل جدید» افزایش دهند.

این جوانان فرهیخته با گذراندن مسیر پرفراز و نشیب «جذب»، به‌تازگی به کسوت «عضو هیئت‌علمی» درآمده‌اند. با وجود این‌که برخی از آن‌ها سال‌های بسیاری را به عنوان عضو هیئت‌علمی حق‌التدریس سپری کرده‌اند ولی سفر قهرمانی آن‌ها به سمت استادی و فرزنانگی مدت زیادی نیست که آغاز شده است.

این فرهیختگان در این سفر برای تبدیل شدن به یک «استاد تمام» نیازمند کوله‌بار و ابزارهایی هستند که بتوانند با بهره‌مندی از آن‌ها چالش‌های سفر را هموار کنند.

اکنون قهرمانان ما در مسیر این سفر، به اینجا رسیدند؛ به مشهدالرضا و قرار است در دوره تعالی منش استادی، کوله‌بار خود را غنی‌تر کرده و در کنار تخصص خود، مهارت‌های ناب شاگردپروری را تقویت کنند. یکی از مهم‌ترین بخش‌ها در سفر قهرمانی به سمت فرزنانگی و استادی، دیدار و آشنایی با پیران فرزانه است؛ بزرگانی که بتوانند امیدبخش مسیر پرفراز و نشیب جوانان باشد.

پیران فرزانه؛ الهام‌بخش استادان جوان

و اینجا محلی است که قهرمانان مسیر فرزنانگی با پیران خردمند ملاقات می‌کنند: سالن تاریک است. با دعوت گرم و با احترام مجری برنامه و تشویق حاضران، بزرگ‌مردی سپیدموی و راست‌قامت از پله‌های سن بالا می‌رود و برای استادان جوان از «وطن» و «خدمت به وطن» می‌گوید. وطن؛ جایی که علاقه به آن چیزی شبیه به عشق به مادر است و نمی‌توان محبت آن را از دل بیرون کرد.

«مهدی بلالی مود» استاد پیشکسوت دانشگاه علوم پزشکی مشهد برای نواستادان «صدای ایران» است. می‌گوید: «من عاشق ایرانم؛ چرا که ایران یک کشور بی‌نظیر است».

او از منشور حقوق کوروش و تمدن ایران، از قلعه فلک‌الافلاک و آثار تاریخی و از طبیعت چهار فصل ایران می‌گوید و در هر جمله بر عشق خود به وطن تاکید می‌کند.

بلالی مود، از داستان سفر قهرمانی خود در مسیر فرزاندگی برای استادان جوان گفت. او چندماه پیش از انقلاب اسلامی برای ادامه تحصیل در رشته سم‌شناسی بالینی به دانشگاه ادینبورگ انگلستان رفته بود. تیرماه ۱۳۶۰ بود که مدرک دکتری تخصصی خود را با درجه ممتاز دریافت کرد. چندماه بعد او به عنوان استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه ادینبورگ استخدام شد و در دپارتمان درمان‌شناسی و مرکز درمان مسمومین بیمارستان سلطنتی ادینبورگ مشغول کار شد.

۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ جنگ تحمیلی آغاز شد و از ابتدای شروع جنگ، مهدی بلالی مود و همسرش، دکتر مریم خوردي مود که متخصص دندانپزشکی کودکان ایران بود، بی‌تاب و نگران هم‌وطنان خود بودند.

بلالی مود در مورد آن روزها می‌گوید: آخر هفته‌ها که قصد می‌کردیم سفر کوتاهی برای استراحت داشته باشیم، همسر من می‌گفت که «کشور ما در حال سوختن در آتش جنگ است؛ چطور می‌توانیم به جشن و تفریح برویم؟»

وقتی زمزمه‌هایی در مورد استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران به گوش رسید، این زوج تصمیم خود را گرفتند. در شرایطی که بیشتر تحصیل‌کردگان به خصوص تحصیل‌کردگان سم‌شناسی ایران را ترک کرده بودند، برای کمک، به وطن برگردند و هم در عرصه علمی و هم در عرصه عملی به مردم خدمت کنند.

مهدی بلالی مود و مریم خوردي مود، طعم خدمت به وطن را با تمام وجود چشیدند. از همین روی بلالی مود خطاب به استادان جوان گفت: من هیچگاه تظاهر نکردم که انقلابی بودم و به خاطر انقلاب اسلامی برگشتم. نه؛ من عاشق وطنم بودم برای خدمت به وطنم برگشتم. اگر با عشق خدمت کنید، از نفس خدمت لذت می‌برید.

بلالی حاصل سال‌ها معلمی‌اش را با یک توصیه کلیدی به جان نواستادها می‌نشاند: «اگر با عشق خدمت کنید، این به دانشجو منتقل می‌شود؛ نیازی به نصیحت و کلام نیست؛ شما با رفتارتان درس می‌دهید».

بلالی مود تا پایان حرفهایش مدام از همراهی بی‌نظیر یار زندگیش می‌گوید و از دلسوزی‌ها و





دغدغه‌های او برای وطن. حالا مجری مراسم همسر این دانشمند را مادر وطن خطاب می‌کند و برای احترام به وی دکتر مریم خوریدی مود؛ را روی سن دعوت می‌کند و حاضران در سالن با شوری وصف‌ناپذیر به احترام مادر وطن ایستاده وی را تشویق می‌کنند و برخی نواستادان اشک در چشمانشان حلقه می‌زند.

ملاقات استادان جوان با بانوی خردمند

سالن دوباره تاریک است. بانویی سرو قامت، به دعوت مجری با قدم‌هایی آهسته از پله‌های سن بالا می‌رود و آرام و شمرده خطاب به استادان جوان؛ قهرمانان مسیر فرزangi، شروع به صحبت می‌کند: «بسیار خوشبختم که در این شب فرخنده این فرصت را یافتم که پس از ۱۵ سال سکوت، در یک جلسه آکادمیک در محضر اساتیدی باشم که کار علمی و معلمی را شروع خواهند کرد.»

هما زنجانی‌زاده استاد پیشکسوت دانشگاه فردوسی مشهد، دانش‌آموخته رشته جامعه‌شناسی است. او پرسیدن سوالات بسیار را خصوصیت جامعه‌شناسی می‌داند و می‌گوید جامعه‌شناسی، نقاد است و مسئله‌ساز! و با ذکر همین نکته، یک سوال مطرح می‌کند: «وقتی نماینده وزارت علوم با من تماس گرفت، برایم سوال مطرح شد که چرا مرا انتخاب کردند و قرعه فال به نام من دیوانه زدند؟ در دانشگاه از نظر جنسیتی یک ویژگی وجود دارد: درصد زنان دانشجو بیشتر از مردان است؛ ولی در کادر آموزشی اکثریت تصمیم‌گیرنده، مردان هستند. پس انتخاب من به معنای یک استاد پیشکسوت (برای سخنرانی در این جمع) چه معنایی دارد؟»

زنجانی‌زاده بانگرانی می‌گوید: من همیشه از جمله «خانم‌ها مقدم‌اند» دچار دلهره می‌شوم... و در مورد دلیل خود برای این نگرانی گفت: «همه ما انقلاب الجزایر آشنا مییم. قبل از انقلاب، مردان الجزایری همواره هشت متر جلوتر از زنان راه می‌رفتند. ولی بعد از پیروزی انقلاب الجزایر، تغییر جالبی اتفاق افتاد. اکنون مردان الجزایری زنان خود را هشت متر جلوتر از خودشان می‌فرستادند! چه پیشرفتی کردند! اما بعد مشخص شد که در صحرا مین گذاشته‌اند! مقدم بودن خانم‌ها از این جهت بود... وقتی می‌گویند که زن‌ها مقدم‌اند، وحشت می‌کنم که نکنند من خنثی‌کننده مین باشم!»

استاد پیشکسوت جامعه‌شناسی تجربه‌زیسته خود در مسیر فرزangi را چنین شرح کرد: «من همواره طلبه بودم... در بینش مذهبی که طلب علم، فریضه زن و مرد مسلمان است و نه فقط مرد مسلمان! در خانواده‌ای بزرگ شدم که دختر بودن، مزیتی نبود. بنابراین شرایط نامساعد از سه سالگی به من آموزش داد که متکی بر خودم باشم. اگر نازنین دختر خانواده بودم، حال اینجا نبودم. شرایط منفی از کودکی به من آموخت که برای آن چه می‌خواهم تلاش کنم و به آن برسم.»

او به آشنایی خود با هنر و نقاشی در سنین نوجوانی پرداخت و از ضرورت آن برای گسترش شناخت علمی گفت. زنجانی‌زاده که در سن ۸۱ سالگی همانند سروی راست قامت در برابر حضار ایستاده، از تاثیر ورزش در زندگی می‌گوید: ما نان ورزش جوانی را در پیروی می‌خوریم. او از علاقه خود به رشته ریاضی گفت. این که به خاطر دختر بودن نتوانسته در این رشته تحصیل کند. چرا که در آن زمان رشته ریاضی برای دختران وجود نداشته و مجبور به تحصیل در رشته «طبیعی» شده است.

پس از اتمام مقطع متوسطه برای ادامه تحصیل در امتحان رشته زبان انگلیسی و رشته زمین‌شناسی شرکت می‌کند. دوست داشت زمین‌شناسی بخواند ولی نتایج کنکور زبان انگلیسی زودتر از کنکور زمین‌شناسی آمد و پدر و مادر به او گفتند «تو که قرار است کهنه بشویی، پس چه فرقی دارد چه رشته‌ای بخوانی» و او سه ماه گریست و صحبت نکرد ولی عاقبت تسلیم شد.

او از استادان برجسته خود در رشته زبان انگلیسی یاد کرد. برای دبیر شدن یک سال در دانشسرای عالی

تهران تحصیل می‌کند و می‌گوید بهترین اساتید دانشگاه تهران استادانش بودند. دکتر امیرحسین آریان‌پور او را با فلسفه آشنا کرده و در آن دوران با جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نیز آشنا می‌شود: «اینجا بود که طغیان کرده و در کنکور فوق لیسانس علوم اجتماعی شرکت کردم و قبول شدم».

او به نقش استاد در تغییر زندگی شاگرد اشاره کرد و گفت: «یک جمله استاد می‌تواند زندگی انسان را تغییر دهد یک روز استاد زبان فرانسه‌ام را دیدم. استاد از من پرسید که چه می‌کنی و گفتم فوق لیسانس علوم اجتماعی می‌خوانم و در کلاس‌های سوربن سفارت فرانسه، زبان فرانسوی‌ام را قوی می‌کنم. استادم گفت: چرا به فرانسه نمی‌روی؟ گفتم: من؟ من تا وکیل آباد بیشتر نرفته‌ام! چطور به فرانسه بروم؟! استادم گفت: چه کسی بهتر از تو؟ و این یاغی این بار به بلاد کفر رفت».

زنجان‌زاده در دانشگاه سوربن فرانسه به تحصیل رشته جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در محضر اساتیدی مثل «پیر بوردیو» پرداخت. این استادان بعدها بزرگ‌ترین تأویسین‌های جامعه‌شناسی فرانسه شدند. او معلمی را زیباترین و بهترین شغل دانست و گفت: چه شکنجه‌ای است اگر این شغل را دوست نداشته باشی.

معلم باید با دلهره به کلاس برود.

زنجان‌زاده در این نشست خطاب به استادان جوان گفت که یک معلم باید با دلهره به کلاس برود؛ دلهره از این‌که نکند شاگرد سوالی بپرسد و من بلد نباشم. چون معلم می‌تواند چندبار بگوید نمی‌دانم ولی اگر این نمی‌دانم‌ها زیاد شود، مرجعیت خودش را از دست می‌دهد».

به گفته این استاد پیشکسوت؛ راهکار رفع این دلهره، تلاش مداوم برای شناخت علمی است. چون با گرفتن مدرک دکترا علم کمال نمی‌یابد.

زنجان‌زاده که با هر کلام، عصاره عمر پر بار خود را به جان نواستادان می‌ریزد؛ از رابطه استاد و شاگردی





گفت: «امروز رابطه استاد و شاگردی تغییر کرده و عنصر دیگری به نام تکنولوژی نوین به این رابطه وارد شده است. بنابراین معلم نمی‌تواند بگوید همه چیز را می‌داند؛ چرا که شاید دانشجو قبل از ورود به کلاس با درس استاد آشنایی داشته باشد. حالا دیگر رابطه استاد و شاگردی رابطه دو انسان برابر است. نه کسی که علم همه جانبه دارد و دیگری هیچ نمی‌داند».

معلمی یعنی دانشجویی همیشگی

از نظر او یک استاد آرمانی سه ویژگی دارد و به تشریح این خصوصیات برای نواستادان پرداخت: «اول، هر حرکت و رفتار استاد باید آموزشی باشد. ظاهر استاد باید متین و ساده باشد و شرط استادی این است که در ظاهر زبان و تفکر او آموزنده باشد.

خصلت دوم دانش او است. علم و دانش مطلق نیست و نسبی است. چیزی که دیروز حقیقت بوده، امروز بطلانش ثابت می‌شود و داشتن مدرک دکتری به معنای کمال علمی نیست؛ بلکه یک آغاز است. دانش هر روز دگرگون می‌شود. بنابراین تو هر روز باید طالب علم باشی، نه کمال علم. معلمی و شاگردی یک رابطه برابر است در یک رابطه برابر تو هم یاد می‌گیری و هم یاد می‌دهی معلمی تاثیر متقابل دو انسان است نه سرازیر کردن گنجینه علم ناپایدار از یک فرد به فرد دیگر. معلمی یعنی دانشجویی همیشگی سومین ویژگی یک استاد آرمانی نیز اخلاق اوست».

از نظر این استاد جامعه‌شناسی؛ هدف نهایی آموزش در دانشگاه، پرورش شخصیت است، نه انتقال یک دانش مختصر و ناقص. آموزش باید به تفکر انتقادی مجهز شود تفکر انتقادی یعنی شناخت به منظور تغییر و بهتر شدن. او معتقد است: وظیفه معلم تربیت انسان‌هایی است که قادر به تغییرات ساختی باشند. آموزش دانشگاهی باید تربیت شهروند متخصص باشد. نه لزوماً یادگیری و اجتماعی شدن.



زنجانی‌زاده با صدایی رسا گفت: «استاد باید اصل را بر برابری، مشارکت، پرورش شخصیت، تشویق و تقدیر بگذارد و هیچ‌گاه هیچ‌گاه دانشجو را تحقیر نکند. تحقیر دانشجو تخریب آینده روشن کشور است».

او در پایان از آینده گفت. همان آینده‌ای که در دستان دانشجویان است و برای استادان جوان، شعری منتسب به استاد خود دکتر امیرحسین آریان‌پور را خواند: آفتاب زندگی پاینده باد / چشم ما بر طلعت آینده باد!

مجری مراسم که مجبور بود زمان برنامه را نیز مدیریت کند، می‌گوید اشتیاق گوش دادن به حرف‌های همچون درّ و مروارید استاد اجازه نداد که مدیریت زمان را به استاد یادآور شوم و بردستان او بوسه زد و از او خواست برای برگزاری نمادین انتقال منش و دانش استادی، پرچم فرزانی را به استاد جوانی که در ابتدای راه است، تقدیم کند و بانویی جوان از نو استادان برای دریافت نمادین پرچم فرزانی به بالای سن می‌آید.



▪ لذت یادگیری



















نمایش تصویری کل دوره

<https://www.aparat.com/v/ngiaq6r>

اساتید مجرب حاضر در نشست های انتقال تجربه

عنوان	مدرس
همنشینی با اساتید مجرب و انتقال تجربه (۱): منش استادی	دکتر علی اکبر صالحی؛ استاد دانشگاه صنعتی شریف
	دکتر محمد حسن پرداختچی؛ استاد دانشگاه شهید بهشتی
	دکتر بهرام گلیایی؛ استاد دانشگاه تهران
	دکتر حسن دانایی فرد؛ استاد دانشگاه تربیت مدرس
همنشینی با اساتید مجرب و انتقال تجربه (۲): ارتباط دانشگاه با صنعت، فناوری و جامعه	دکتر علی خیرالدین؛ عضو هیأت علمی دانشگاه سمنان (مشاور عالی وزیر)
	دکتر احد ضابط؛ عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد (رئیس دانشگاه)
	دکتر احسان چیت ساز؛ عضو هیأت علمی دانشگاه تهران (مدیر کل فناوری و نوآوری دانشگاه تهران)
	دکتر محمدرضا رزوان؛ عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی شریف (مدیر عامل و مؤسس چندین شرکت دانش بنیان موفق)

عناوین کارگاه‌های آموزشی و نشست‌های تخصصی نخستین دوره طرح تعالی منش استادی (در مسیر فرزاندگی)

عنوان	مدرس
شاگردپروری در فعالیت‌های اعضای هیأت علمی	دکتر حسن ملکی؛ عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)
رؤیت‌پذیری علمی و بین‌المللی اعضای هیأت علمی	دکتر محمد حسن زاده؛ عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس
روش‌ها و فنون تدریس	دکتر مرتضی کرمی؛ عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد
	دکتر محمد دادرس؛ عضو هیأت علمی دانشگاه تهران
	دکتر سیده زهرا نهاردانی؛ عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران، گروه آموزش پزشکی
	دکتر حسین جعفری ثانی؛ عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد
	دکتر حمیدرضا مقامی؛ عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)
تکنولوژی آموزشی	دکتر فرهاد سراجی؛ عضو هیأت علمی دانشگاه تهران
	دکتر عیسی رضایی؛ عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی هوشمند
	دکتر جواد حاتمی؛ عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس
	دکتر احسان طوفانی نژاد؛ عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
	دکتر جلیل یونسی؛ عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی
سنجش و ارزشیابی	دکتر مرتضی طاهری؛ عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی
	دکتر مسعود کبیری؛ عضو هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش
	دکتر غلامرضا یادگارزاده؛ عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی
	دکتر عنایت‌اله زمان‌پور؛ عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی
	دکتر عبدالحسین کلانتری؛ معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
گفت‌وگو پیرامون مسائل و چالش‌های اعضای هیأت علمی	دکتر قاسم عموعابدینی؛ معاون آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



گلچینی از تجربه ها

دکتر حسن ملکی: شاگردپروری در فعالیت های عضو هیأت علمی

در امر شاگردپروری دو مهارت بنیادی وجود دارد که همین دو، بخش مهمی از این مهارت را شامل می شود؛ خودشناسی استاد و دانشجوشناسی استاد. این که خودم را بشناسم یعنی من استاد که نقش استادی را به من داده اند، بی تعارف و بیانی و بین الله، شایستگی ایفای این نقش را دارم؟ حتما شایستگی هایی داشته ایم که استخدام شده ایم اما به هر حال ما انسان هستیم و نواقصی داریم، انسان بی نقص وجود ندارد، مهم این است که نواقصمان را بشناسیم. اگر استادی گمان کند هیچ وضعی ندارد او بیچاره است. خودشناسی استاد یعنی خودم بدانم نقاط قوت و ضعفم کجاست و تلاش کنم خودم را تقویت کنم.

بخش بعدی در شاگردپروری پذیرش دانشجو است. این مورد بر خلاف مورد قبل که مفهومی بود مصداقی است. این که دانشجو را بپذیریم به این معنی نیست که کلامی او را گرمی بداریم، البته این مورد نیز لازم است اما اصل پذیرش دانشجو به حال استاد در پذیرش اوست، این که دانشجو ببیند استاد رغبت دارد حرف او را بشنود و با او ارتباط برقرار کند. یکی از شاخصه های پذیرش، گوش دادن به دانشجو است. گوش دادن باید پویا باشد. البته پذیرش دانشجو به باور ما ارتباط دارد. بستگی دارد به من استاد که چگونه تربیت شده ام. ذات نیافته از هستی بخش، چون تواند که بود هستی بخش. استاد باید با حالی پذیرای دانشجو باشد که دانشجو بخواهد نزد او برود. مخصوصا دانشجویان خوابگاهی که کسی را جز استادان خود ندارند. البته ممکن است استاد متوجه مشکلات عمیقی در دانشجو شود. استاد حلال همه مشکلات نیست اما مسئول همه مشکلات هست.

دکتر محمد حسن زاده، رویت پذیری علمی استاد در عرصه ملی و بین المللی

در دنیای امروز، انتشار درست نتایج تحقیقات به صورتی که در مجامع علمی به خوبی دیده شود بسیار حائز اهمیت است. پژوهش فقط یک گام است. همه فکر می کنند پژوهش با رسیدن به انتشار تمام می شود، در حالی که رویت پذیری مرحله آخر است. متأسفانه اغلب به انتشار مقاله و آوردن مشخصات آن در رزومه اکتفا می کنند. رزومه مهم است اما از آن مهم تر چگونه رزومه نوشتن است. در رزومه شما، هر آنچه در چنته دارید باید منعکس شود. جامعه پیرامونی، دولت، صنعتگر باید بدانند و ببینند و در ذهن او بنشینند.

در حال می توانیم امیدوار باشیم که پسندیده هم بشویم. تا زمانی که دیده شدنی نیستید در واقع انگار نیستید. علاوه بر آن به دانشجو هم چیزی برای عرضه کردن ندارید چرا که دانشجویان را هم نمی توانید در پروژه ای معرفی کنید. در یک کلام فرقی نمی کند استاد تمام دانشگاه دولتی باشید، وقتی رویت پذیر نباشید مثل یک انسان معمولی هستید چون شعاع وجودی شما به جایی نمی رسد. رویت پذیری علمی برای اعضای جوامع علمی، فرایندی است که در آن، استاد یافتنی و دست یافتنی می شود، همچنین باید برای زیست بوم های مختلف رزومه داشته باشید.

□ همنشینی با اساتید مجرب و انتقال تجربه:

دکتر محمد حسن پرداختچی، اخلاق آکادمیک

برایمان مهم باشد که با وجود همه گلیایه‌ها و نارضایتی‌هایی که داریم و حق و حقوقی که به ما داده نشده، از کلاس درس مان کم نگذاریم. وقتی سر کلاس رفتید حسابتان را با بقیه مسائل جدا کنید. شما هستید و بچه‌های مردم و وجدانتان و خدا. همچنین انسان خلیفه الهی ست و تعلیم و تربیت به عهده او گذاشته شده. البته خلیفه الهی بودن انسان، بالقوه است و فعلیت یافتن آن به واسطه معادات است از شیر مادر تا مراحل تعلیم و تربیت. هر چه سبک تدریس شما با سبک یادگیری دانشجویان هماهنگ‌تر باشد او بیشتر یاد می‌گیرد. به عبارت دیگر کمتر به ساعتش نگاه می‌کند، با موبایلش بازی نمی‌کند. اولین چیزی که من و شمای معلم باید بدانیم تفاوت‌های فردیست. روشی که روی یک دانشجو اثر دارد روی دیگری اثر ندارد.

دکتر علی اکبر صالحی

امام علی (ع): العلم سلطان. علم قدرت است. آن کس که آن را یافت چیره می‌شود و هر کس فاقد آن بود بر او چیره می‌شوند. خداوند قرآن را با طرح مسئله علم و تاکید بر آن شروع کرده است. علم اصالت و شرف ذاتی دارد. در قرآن بیش از چهارصد بار از علم یا مشتقاتش یاد شده اما یک بار هم حرفی از نافع یا غیرنافع بودنش نشده. این که علمی نافع یا غیرنافع باشد به استفاده و کاربرد ما بستگی دارد. دین چرایی‌ها را پاسخ می‌دهد. فقط دنبال چگونگی‌ها نیست. نسل جوان به دنبال چرایی است. چگونگی‌ها در فقه است. همچنین قرآن می‌گوید ویزکیهم و یعلمهم الکتاب. ابتدا می‌گوید یزکیهم. یک ظرف اگر تمیز باشد در آن آب می‌ریزیم و می‌خوریم، اگر کثیف باشد آن آب قابل خوردن نیست. ابتدا باید ظرف و جودمان را پاک کنیم بعد آن را حامل علم کنیم. این خیلی نکته مهمی است. العلم والدین توامان، ان افترقا احترقا. تا زمانی که معلم سعی کنید فقط معلم باشید. حداقل بیست سال اول زندگی معلمی‌تان را فقط معلم باشید. و مهم است خود استاد درس را خوب فهمیده باشد. استاد اگر خودش درس را خوب نفهمیده باشد دانشجو گیج می‌شود و نمی‌تواند درس را منتقل کند. نکته مهم دیگر داشتن گفت و شنود در کلاس است. مهم است استاد متکلم و حده نباشد. فقط تئوری درس ندهید، مصداق ارائه بدهید. با خبر شدن از حال دانشجو مهم است. دانشجویان مشکلات دارند، مشکلات خانوادگی، معیشتی. تلاش کنید سنگ صبور باشید. من اگر بار دیگر سمتی در این راستا بگیرم نمی‌گذارم دانشجوی کارشناسی بلافاصله ارشد بخواند. چه بهتر که میان فواصل مقاطع تحصیلی دانشجو تجربه کاری و مستقیم پیدا کند تا دروس بعدی را با عمق بیشتری درک کند. و آخرین مطلب اخلاق است. اخلاق نیکو در کسوت استادی بسیار مهم است. مومن پشاش است اگر هم حزنی دارد در دلش نگه می‌دارد.

دکتر حسن دانایی‌فرد

اگر به استانداردهای علمی و اخلاق آکادمیک پایبند باشید، مقاله‌ای که تولید می‌کنید آن مقاله باقیات الصالحاتان است. اولین نکته برای منش استادی حل این موضوع برای خودتان است، وگرنه فقط برای ارتقا دارید کار می‌کنید. برای آن که در حوزه خود رودست نخورید فلسفه را بدانید. کسی که فلسفه خوانده باشد قوه استدلالی‌اش قوی می‌شود. با دانشجو حرمت‌ورزی مشفقانه داشته باشید. بدون اینکه از سوالی که پرسیده یا چیزی که نمی‌دانسته خجالت بکشد به او کمک کنید. شما فقط تدریس نمی‌کنید بلکه در کلاس لیدر (رهبر) هستید. دانشجو از منش شما، از استدلال کردن شما و حتی از راه رفتن شما تقلید می‌کند. حوزه خود را ایجاد کنید، طوری که دانشجو هر جا رفت دوست داشته باشد بگوید من شاگرد فلانی بوده‌ام. شما باید دانشجو را کنجکاو کنید. لذت بخش‌ترین لحظات معلمی لحظاتی است که در دانشجوی شما، در زندگی شخصی و علمی‌اش تحولاتی رخ می‌دهد و شما شاهد آن تحولات و پیشرفت‌ها هستید.

دکتر بهرام گلیایی

معتقدم بین درس دادن و یاد دادن فرق هست. ما موظفیم درس بدهیم ولی آیا وظیفه یاد دادن هم داریم؟ خیلی‌ها اهتمام دارند درس را تا آخر ترم تمام کنند اما توجهی ندارند آیا دانشجو یاد گرفته است یا نه. می‌خواهم خدمت اساتید عزیز عرض کنم وظیفه خود را یاد دادن بدانید. آن رضایتی را که در چهره دانشجو می‌بینید وقتی چیزی را یاد می‌گیرد بسیار باارزش است. توصیه دومم به شما این است که چند سال یک درس را دادید، درس جدیدی را بردارید و بدهید و هر چند سال هم تدریس درس‌های دیگری را امتحان کنید. از این که درس‌های جدید بدهید نهراسید. برای ساختن خودتان می‌تواند خیلی مفید باشد.







آفرین بر عشق کل اوستاد
همچو خاک مفترق در رهگذر

صد هزاران ذره را داد اتحاد
یک سبوشان کرد دست کوزه گر

«دختر دوم شوی منموی جلال الدین محمد بلخی»





۴. در آستانه؛

- آیین عهد
- میثاق نامه



نمایش تصویری آیین عهد

<https://www.aparat.com/v/sgisx8f>







«میثاق نامه»

آفرین جان آفرین پاک را آن که جان بخشید و ایمان خاک را

هنگامی که ندای «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» برخاست و طنینش در صدای «الَسْتُ بِرَبِّكُمْ» پژواک کرد، «بلی» گویی آدمی پذیرفتن امانت را تا رستاخیز بزرگ بر دوش او گذاشت. تاریکی نسیان از هبوط را ایزد دانا به القای کلمات و بازآمد هدایت ها و یاد آورد دوباره ی این نهفتگی عظیم در همراهی با هادیان چاره کرد، تا کند و کاو عالمانه و همراهی شاکرانه، صعود از پلکان معرفت را تا درگاه بهشت ابدی رهوارتر سازد، و تنها دق الباب کفایت کند تا ورود به امن جاودان خداوند و سکونت در محضر کوثر عطای بی پایان او.

عالمان را گوشی است برای نیوشیدن آوای حق و چشمی برای دیدن گوهر هستی و ذهنی برای فهم کنه وجود و زبانی برای ترجمان آن حقیقتی که برای بسیاری آدمیان در حجاب و پوشیدگی است و قدمهایی برای حضور. دانایی خود بار مضاعفی است بر سنگینی پیمان نخستین که بر گرده های آدمی گذاشته اند؛ اگر چه سهمگین است کشیدن این بار. اما هر آینه خداوند عاشقانه آغوش می-گشاید تا به مقام جانشینی اش بر روی زمین، از نو، عالمانه آری بگوییم. چرا که:

قیمت عشق نداند، قدم صدق ندارد سست عهدی که تحمل نکند بار جفا را

ما وامدار پیمان پیشینیم و طلایه دار پیمانهای پسین. پیمانی که هر بار به صد زبان باید دوباره از نو بست، خداوند زمین را جای ما ساخت و بر این خاک پر نعمت، نعمت هادیان و امامان و همراهی با ایشان را فراتر از هر نعمتی قرار داد و در این گستره بی شمار نعمتها و مسیر گشوده بهره مندی از آن-ها، پرشمار جایگاه برایمان اندیشید و اراده کرد تا در هر جایگاهی تازه، پیمانی نو ببندیم.

معلمی و استادی اگر چه یک از آن هزار است اما هر دانایی گواهی می دهد که این یک، مرتبه ای والا در میان مراتب بودن آدمی است، چه دنباله و امتداد همان کار هادیان و معلمان الهی است و اگر هر کاری را حاصلی است، حاصل کار استاد، ساختن آدمی و آگاه ساختن او از حقیقت آدمی است. استاد خود برآمده از معرفت و برساخته از حکمت و قوام یافته از میراث اندیشه ی تاریخی و جهانی بشری است و در این مرتبت معمار جان شاگردانی که معرفت و حکمت و اندیشه را در رگ های جامعه جاری می کنند. استاد نام و صفتی ساده نیست، ناب گوهری است در منش انسانی که این نام و صفت را معنا می کند.

بی تردید هر کدام از ما در پذیرش جایگاه رفیع عضویت هیئت علمی دانشگاه، در دل، با خود، خدای خود و مردمان خود پیمان و عهدی بسته ایم، اما چه نیکوتر که امروز در محضر نور و صاحب نور، آن عهد نهان را با صدایی بلند عیان کنیم. خدایا تو را شکر می گوییم که امروز چنین عهدی را در محضر نورانی امام عالم و عالم آل محمد با تو می بندیم.

خدایا با تو پیمان می بندیم که بار دیگر به پرسش الستی تو آری بگوییم و در توکل تام بر یگانگی تو در این راه پر فراز و نشیب همپای امام نورگام بگذاریم. راهی که تو از حکمت بی پایانت



به زبان برگزیدان و معلمان بشر آگاهمان کردی. و پیمان می بندیم تا بر عهدی وفادار بمانیم که جز رضای تو در وفای به آن نباشد.

پروردگارا تا هر کجای ژرفای اندیشه و علم جهان دیروز و امروز قدم برداشتیم، طنین توحیدی صدای علم و فرهنگ و هنر و تمدن ایرانی و اسلامی را به گوش جان شنیدیم و بر بلندای تاریخ این سرزمین مقدس و مردمان آن که وجودشان را با حب شجره طیبه اهل بیت ممزوج کرده اند بالیدیم و خدای را بابت تمام محبت‌هایش بر این سرزمین و مردمان نیک اندیش آن سپاس گزاردیم. خدایا در محضر عالم آل محمد با مردمان شریف این سرزمین بزرگ پیمان می بندیم که شکوه توحیدی، حبی و حکمی این تمدن بزرگ الهی را بیش از پیش در جهان درخشان کنیم و فروغ خرد و دانش و نیک خواهی تاریخی ایرانیان را در کوشش علمی و فرهنگی خود و در پرورش دانشجویان دانا و کارآمد فروزانتر کنیم و آن گفتار گهربار پیامبر بزرگ را باز بر کرسی تحقق بنشانیم که ایرانیان تا ثریا در پی دانش خواهند رفت.

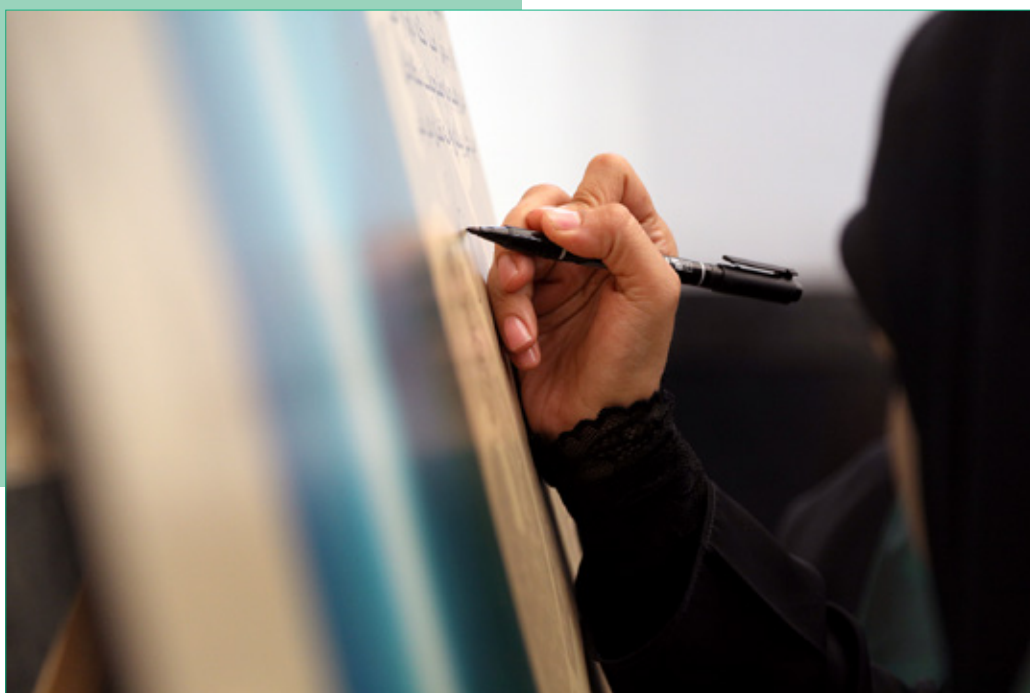
بارالها در محضر امام مهربانی‌ها با دانشجویان خود در جایگاه امانت الهی پیمان می بندیم که دانشگاه را جایی برای صعود انسانیت و فهم و دانشوری نگاه داریم تا در امن خانه‌ای پر از مفاهمه و مهر و دانایی، بر پویندن و بالیدن بیشتر خود به سوی بودنی شایسته‌ی جایگاه بزرگ انسان ادامه دهند. پیمان می بندیم علاوه بر درس و بحث علمی به هر آنچه که زندگی دانشجویانمان را در بر می‌گیرد بی تفاوت ننماییم و حتی ورای وظیفه، از ایثار در بذل توجه و عمل در نیک روزی و بختیاری آنها دریغ نکنیم.

کردگارا در بیت نور که اذن رفعت و ذکر اسم الهی را در آن قرار دادی، پیمان می بندیم از دانشگاه خانه‌ای بسازیم که خویشتی معنوی و دانشورانه‌ی ما با شاگردانمان تا زمانی که زنده ایم و زنده اند پایدار بماند.

الهی ما همسفران مسیر بلند عشق ورزی و معلمی با خویش پیمان می بندیم که بر پیمان نیک خود با تو و ولی تو و مردمان و شاگردانمان پایبند و استوار بمانیم، و در مسیر پر طراوت اعتلای دانشگاه و دانشجویان از بر کشیدن خویش نیز به سوی قله‌های عظیم دانش و آگاهی و اخلاق غفلت نورزیم و عهد می‌کنیم که سطرهای بعدی تاریخ را به نام ما درخشانتر بنویسند و حین سپردن میراث نیکوی دانش و حکمت پیشین سرزمین خود به کنونیان، به نوآوری و دانش افزایی بر گنجینه‌ی فرو فرهنگ و علمی که به دست آیندگان می‌رسد بیش و بسیار بیفزاییم.

بارخدایا ما را در این هم عهدی با تو و ولی تو برای شناخت و همراهی در مسیر و راه آینده بشریت در حرکت به سمت سرزمین صالحان و ملک عظیم اهل بیت علیهم السلام یاریمان کن

در عهد خویش با تو بمانم در این سفر	ای بارش امید نگه دارم از خطر
من راهیم، به چشم عنایت نگاه کن	پرکن پیاله را به تمنای هر نظر





نخستین دوره طرح تعالی منش استادی به ایستگاه آخر رسید؛

پیمان با شمس‌الشموس در مسیر فرزانیگی

برگرفته از سایت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری: <https://www.msrt.ir/fa/news/79781>

همایش «منش استادی، در مسیر فرزانیگی» بعد از سه روز حضور پویای نواب‌الاستادان در پنل‌های تخصصی، حالا به ایستگاه آخر رسیده است. جمعه ۱۴ مهرماه صبح زود، هنوز آفتاب بالا نیامده، نواب‌الاستادان راهی حرم حضرت خورشید می‌شوند تا در حسن ختام این دوره عهد ببندند با شمس‌الشموس، خودشان و مسیرشان را بسپارند به پناه آهو. برای سرفرازی در این مسیر علمی مهم، توسل کنند به عالم آل محمد که «خزان العلم» است و وصف عالمی‌اش از طوس همه آفاق را در نور دید.

قرار «آیین عهد» در دارالقرآن صحن جمهوری است و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در این قطعه حرم مطهر که به اسم قرآن مزین است، با شال‌های سبز، مودب و متین در محضر آقا امام رضا علیه‌السلام نشسته‌اند. مراسم با نوای جان‌افزای قرآن توسط گروه تواشیخ انورالرضا شروع می‌شود و بعد سلامی دسته‌جمعی به محضر آقا با صلوات خاصه حضرت. «خدای مهربانی‌هاست سلطانی که من دارم / فدای مهر بی‌پارش دل و جانی که من دارم»؛ مجری برنامه با این ابیات زیبا، مراسم را متصل می‌کند به مدحی با صدای رسا که توسط گروه همخوانی اجرا می‌شود و دل‌ها را مهمان مدح رسول (صلی‌الله علیه و آله) و امام صادق (ع) و ثامن الحجج علیهم‌السلام می‌کند و هر چند بیت، صلواتی جانانه از جمع می‌گیرد. یکی از مکه انوار رخس تائید در عالم / یکی شد در مدینه آفتاب طلعتش پیدا یکی نور نبوت را به دل‌ها تافت تا محشر / یکی نور ولایت را ز نو کرد از دمش احیا ما خسته‌دلان بی‌سر و سامان رضاییم / در هر دو جهان دست به دامن رضاییم / ما گرد ره قطره‌ای از باغ بهشتیم / پروانه‌ای از روضه رضوان رضاییم خانم جوان کنار دستی‌ام هم قدم این بیت‌ها، آرام اشک می‌ریزد و با دل، عرض ادب می‌کند به ساحت حضرت ثامن‌الائمه.





در ادامه مراسم مجری یادی می‌کند از شهدای انقلاب از آغاز؛ از حاج قاسم عزیز و شهدای مدافع حرم و از شهدایی که سال قبل که برای امنیت این حضور، جان دادند و بعد معاون فرهنگی وزیر علوم را به پشت تربیون دعوت می‌کند؛ دکتر کلانتری ظریفانه می‌گوید جواب سلام را چشم امید داریم از امام رضا علیه السلام بگیریم؛ اما به رسم ادب سلام و خیرمقدم می‌گوید به اساتید و به خادمان. دعا می‌کند مشرف شدن به این ملجأ شریف، مبدأ خیری باشد در مسیر شغلی و در طول خدمت در نظام آموزش عالی و از حضور استاد اخلاق، حاج آقا راشد یزدی دعوت می‌کند با نفس حق خود، برای اساتید صحبت کنند.

همه به رسم ادب و اخلاق، به احترام ایشان روی پا می‌ایستند. استاد وارد می‌شود و به آرامی در جایگاه می‌نشیند، با لطافت و مهربانی، به حاضرین سلام می‌کند و با کلامی نافذ و بیانی شیرین صحبت آغاز می‌کند؛ از سبقه علم‌آموزی از زمان آدم ابوبشر می‌گوید و از شرف شغل معلمی که در ردیف پیامبری است. نواستادان را دعوت می‌کند به شناختن خودشان و ارزش کارشان و اینکه اجر معلم را خدا می‌دهد. استاد می‌رسد به توصیه‌های اخلاقی مهم و عمیقی درباره شیوه تعامل با جوانان دانشجو؛ با طنازی، کلامش را شیرین می‌کند و با به‌کاربردن برخی اصطلاحات تخصصی، درایتش در شناخت مخاطب کلامش را نشان می‌دهد. آخر کار از آنها می‌خواهد برای اخلاق حسنه، در همین زیارت توسل کنند به محضر امام رئوف. و در آخر با دعا‌های زیبایی برای نواستادان، کلام را تمام می‌کند.

«امیدوارم سال‌های طولانی خدا به مردم توفیق بدهد از وجود نازنین‌تان استفاده کنند. خیلی موضع خوبی دارید برای اینکه آدم بسازید.» دم رفتن مجری از ایشان درخواست می‌کند حاضرین را مهمان دعایی بفرمایید که بیست سال در این محفل خوانده است. حاج آقا راشد یزدی دعا را می‌خواند و در هر فراز، دل‌ها با آمین گفتن همراه می‌شوند؛ دعایی که خودش یک کلاس درس زندگی است.

گروه همخوانی دانشگاه فردوسی مشهد برنامه زیبای بعدی را اجرا می‌کنند که یک همخوانی بلیغ است؛ و برنامه بعدی نیز صدایی برخاسته از هنر و فرهنگ اصیل خراسانی است؛ مبین دورپور از تربت جام پسر نوجوانی است که با لباس محلی پشت تربیون، نوای زیبایی در وصف حضرت شمس‌الشموس می‌سراید و در نهایت مجلس می‌رسد به قرائت عهدنامه با امام رضا علیه السلام؛ نواستادان همه می‌ایستند و دکتر



مطهری نژاد، میثاق نامه ای که بند بند آن با جان و دل نگاشته شده را می خواند:

«آفرین جان آفرین پاک را آن که جان بخشید و ایمان خاک را هنگامی که ندای «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» برخاست و طنینش در صدای «الستُ بِربکم» پژواک کرد، «بلی» گویی آدمی پذیرفتن امانت را تا رستاخیز بزرگ بر دوش او گذاشت. تاریکی نسیان از هبوط را ایزد دانا به القای کلمات و بازآمد هدایت ها و یادآورد دوباره ی این نهفتگی عظیم در همراهی با هادیان چاره کرد، تا کند و کاو عالمانه و همراهی شاكرانه، صعود از پلکان معرفت را تا درگاه بهشت ابدی رهوارتر سازد، و تنها دق البابی کفایت کند. تا ورود به امن جاودان خداوند و سکونت در محضر کوثر عطاهای بی پایان او. عالمان را گوشی است برای نیوشیدن آوای حق و چشمی برای دیدن گوهر هستی و ذهنی برای فهم کنه وجود و زبانی برای ترجمان آن حقیقتی که برای بسیاری آدمیان در حجاب و پوشیدگی است و قدمهایی برای حضور. دانایی خود بار مضاعفی است بر سنگینی پیمان نخستین که بر گرده های آدمی گذاشته اند؛ اگر چه سهمگین است کشیدن این بار. اما هر آینه خداوند عاشقانه آغوش می گشاید تا به مقام جانشینی اش بر روی زمین، از نو، عالمانه آری بگوییم. چرا که: قیمت عشق نداند، قدم صدق ندارد سست عهدی که تحمل نکند بار جفا را ما وامدار پیمان پیشینیم و طلایه دار پیمانهای پسین. پیمانی که هر بار به صد زبان باید دوباره از نو بست، خداوند زمین را جای ما ساخت و بر این خاک پر نعمت، نعمت هادیان و امامان و همراهی با ایشان را فراتر از هر نعمتی قرار داد و در این گستره بی شمار نعمتها و مسیر گشوده بهره مندی از آنها، پرشمار جایگاه برایمان اندیشید و اراده کرد تا در هر جایگاهی تازه، پیمانی نو ببندیم. معلمی و استادی اگر چه یک از آن هزار است اما هر دانایی گواهی می دهد که این یک، مرتبه ای والا در میان مراتب بودن آدمی است، چه دنباله و امتداد همان کار هادیان و معلمان الهی است و اگر هر کاری را حاصلی است، حاصل کار استاد ساختن آدمی و آگاه ساختن او از حقیقت آدمی است. استاد خود برآمده از معرفت و بر ساخته از حکمت و قوام یافته از میراث اندیشه ی تاریخی و جهانی بشری است و در این مرتبت معمار جان شاگردانی که معرفت و حکمت و اندیشه را در رگ های جامعه جاری می کنند. استاد نام و صفی ساده نیست، ناب گوهری است در منش انسانی که این نام و صفت را معنا می کند. بی تردید هر کدام از ما در پذیرش جایگاه رفیع عضویت هیئت علمی دانشگاه،



در دل، با خود، خدای خود و مردمان خود پیمان و عهدی بسته ایم، اما چه نیکوتر که امروز در محضر نور و صاحب نور، آن عهد نهان را با صدایی بلند عیان کنیم. خدایا تو را شکر می‌گوییم که امروز چنین عهدی را در محضر نورانی امام عالم و عالم آل محمد با تو می‌بندیم. خدایا با تو پیمان می‌بندیم که بار دیگر به پرسش السّتی تو آری بگوییم و در توکل تام بر یگانگی تو در این راه پر فراز و نشیب همپای امام نورگام بگذاریم. راهی که تو از حکمت بی پایانت به زبان برگزیدان و معلمان بشر آگاهمان کردی. و پیمان می‌بندیم تا بر عهدی وفادار بمانیم که جز رضای تو در وفای به آن نباشد. پروردگارا تا هر کجای ژرفای اندیشه و علم جهان دیروز و امروز قدم برداشتیم، طنین توحیدی صدای علم و فرهنگ و هنر و تمدن ایرانی و اسلامی را به گوش جان شنیدیم و بر بلندای تاریخ این سرزمین مقدس و مردمان آن که وجودشان را با حب شجره طیبه اهل بیت ممزوج کرده‌اند بالیدیم و خدای را بابت تمام محبت‌هایش بر این سرزمین و مردمان نیک اندیش آن سپاس گذاردیم. خدایا در محضر عالم آل محمد با مردمان شریف این سرزمین بزرگ پیمان می‌بندیم که شکوه توحیدی، حبی و حکمی این تمدن بزرگ الهی را بیش از پیش در جهان درخشان کنیم و فروغ خرد و دانش و نیک خواهی تاریخی ایرانیان را در کوشش علمی و فرهنگی خود و در پرورش دانشجویان دانا و کارآمد فروزانتر کنیم و آن گفتار گهربار پیامبر بزرگ را باز بر کرسی تحقق بنشانیم که ایرانیان تا ثریا در پی دانش خواهند رفت. بارالها در محضر امام مهربانی‌ها با دانشجویان خود در جایگاه امانت الهی پیمان می‌بندیم که دانشگاه را جایی برای صعود انسانیت و فهم و دانشوری نگاه داریم تا در امن خانه‌ای پر از مفاهمه و مهر و دانایی، بر پویدن و بالیدن بیشتر خود به سوی بودنی شایسته‌ی جایگاه بزرگ انسان ادامه دهند. پیمان می‌بندیم علاوه بر درس و بحث علمی به هر آنچه که زندگی دانشجویانمان را در بر می‌گیرد بی تفاوت نمانیم و حتی ورای وظیفه، از ایثار در بذل توجه و عمل در نیک روزی و بختیاری آنها دریغ نکنیم. کردگارا در بیت نور که اذن رفعت و ذکر اسم الهی را در آن قرار دادی، پیمان می‌بندیم از دانشگاه خانه‌ای بسازیم که خویشتی معنوی و دانشورانه‌ی ما با شاگردانمان تا زمانی که زنده ایم و زنده‌اند پایدار بماند. الهی ما همسفران مسیر بلند عشق ورزی و معلمی با خویشت پیمان می‌بندیم که بر پیمان نیک خود با تو و ولی تو و مردمان و شاگردانمان پایبند و استوار بمانیم، و در مسیر پر طراوت اعتلای دانشگاه و دانشجویان از بر کشیدن خویشت نیز به سوی قله‌های عظیم دانش و آگاهی و اخلاق غفلت‌نورزیم و عهد می‌کنیم که سطرهای بعدی تاریخ را به نام ما درخشانتر بنویسند و حین سپردن میراث نیکوی دانش و حکمت پیشین سرزمین خود به کنونیان، به نوآوری و دانش‌افزایی بر گنجینه‌ی فر و فرهنگ و علمی که به دست آیندگان می‌رسد بیش و بسیار بیفزاییم. بار خدایا ما را در این هم عهدی با تو و ولی تو برای شناخت و همراهی در مسیر و راه آینده بشریت در حرکت به سمت سرزمین صالحان و ملک عظیم اهل بیت علیهم السلام یاریمان کن در عهد خویشت با تو بمانم در این سفر ای بارش امید نگه داریم از خطر من راهیم، به چشم عنایت نگاه کن پرکن پیاله را به تمنای هر نظر».

متن میثاق‌نامه روی تابلوی زیبایی با عنوان «پرکن پیاله را» اثر عبدالحمید غدیریان درج شده و نواستادان پایین آن را امضا می‌کنند تا آنچه با دل عهد کرده‌اند را اینجا هم به یادگار، ثبت کنند. آیین عهد به پایان می‌رسد و همه مهمان خوان کریمانه حضرت رضا علیه السلام و صبحانه حضرتی می‌شوند و برای آخرین زیارت و وداع رهسپار بوسه بر ضریح مطهر می‌شوند. حالا نواستادها با دستانی پر به شهرها و دانشگاه‌هایشان بر می‌گردند تا آموخته‌های معنوی و علمی و فرهنگی این چند روز را در عمل به بوته آزمایش بگذارند و کسب تجربه کنند. امید که در این ره مقدس، پرنور و با صلابت بدرخشند و مسیر توسعه علمی میهن را هموارتر نمایند.